

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

برگردان: بهرام رحمانی

۱۶ اپریل ۲۰۲۲

صد سال

صدسال شد

که روی تو را ندیده‌ام

در آغوش نگرفته‌ام

حسرت دوری‌ام

از چشمانت

صد سال شد...

باید پرسید

از روشنائی ذهنش

باید سؤال‌ها پرسید

و به گرمی

دستی به کمرش کشید...

زنی در یک شهر

صد سال است که

منتظر من است

از شاخه‌های یک درخت بودیم

و از شاخه‌های یک درخت

افتاده و

جدا شدیم

و میان‌مان

صدها سال زمان

صدها سال فاصله...

آن زن

با همان انتظار صد ساله‌اش
دست فرزندش را گرفت
و با گذر از
همان فاصله صد ساله
سوی من آمد
ولی حیف
حسرت که تمام شد
عشق هم به آخر راه رسید؛
ناظم
آن روزها
عاشق کسی دیگر بود...